

۱۲۶۳ ش ۱۶ عقرب - (آبان) / ربیع الاول ۱۳۰۴ هـ. ق / ۱۸۸۶ م. در شهر مشهد در محله سرشور، تولد یافت.

۱۲۷۲ در ده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد.<sup>۱</sup>

۱۲۷۹ در مشهد تحصیلات خود را در محضر ادیب نیشابوری (میرزا عبدالجواد) دنبال کرد.

۱۲۸۲ پدرش (ملک الشعرای صبوری) وفات یافت.

۱۲۸۲ در ۱۹ سالگی به مقام ملک الشعرای رسید.

۱۲۸۴ مستزاد معروف خود را به مطلع:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست  
کسار ایران با خداست  
را سرود

۱۲۸۴ در بیست سالگی وارد امور سیاسی شد و جزو مشروطه خواهان خراسان قرار گرفت.

۱۲۸۴ اشعار سیاسی او در روزنامه نیمه مخفی خراسان، بدون امضاء یا با امضاء م - ب به چاپ رسید که مورد توجه بسیار قرار گرفت.

۱۲۸۵ اشعار سیاسی او در روزنامه طوس (به مدیریت میرزا هاشم خان قزوینی) منتشر شد و

۱ - جایی در شرح احوال خود می نویسد: «من از هفت سالگی به شعر گفتن مشغول شدم».

او را به شهرت رسانید.

۱۲۸۶ مثنوی «اندرز به شاه» را خطاب به محمدعلی شاه سرود، بدین مطلع:

پادشها چشم خرد باز کن      فکر سرانجام زآغاز کن

۱۲۸۸ برای اولین بار در راه تشکیل حزب دموکرات در مشهد با حیدرخان عمو اوغلی ملاقات کرد.

۱۲۸۸ پنجشنبه بیست و یکم میزان (مهر) نخستین شماره روزنامه نوبهار را که ارگان حزب دموکرات مشهد بود در شهر مشهد منتشر کرد.

۱۲۸۹ قصیده معروف «سوی لندن گذر ای پیک نسیم سحری» را خطاب به وزیر خارجه انگلستان (سر ادوارد گری) سرود.

۱۲۸۸ عضویت کمیته ایالتی حزب دموکرات خراسان را پذیرفت.

۱۲۸۸ با نطقی که در اولین جلسه حزب دموکرات، در مسجد گهرشاد ایراد کرد، شهر مشهد را تکان داد و کینیاژ دابیژا (جنرال کنسول دولت تزاری) را به وحشت انداخت.

۱۲۸۸ با روزنامه مخفی خراسان (به مدیریت سیدحسین اردبیلی) همکاری کرد، و مقالات او بدون امضاء در آن روزنامه به چاپ رسید. گاهی هم مقالات و اشعار او با امضاء م - ب

به چاپ می‌رسید.

۱۲۹۰ به دستور وثوق‌الدوله وزیر خارجه وقت روزنامه نوبهار پس از یکسال نشر در مشهد توقیف شد.

۱۲۹۰ «قصیده بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر» را در واقعه بمباران مسجد گهرشاد و گنبد مطهر حضرت امام رضا (ع) - که از طرف روس‌های تزاری به توپ بسته شد - سرود.

۱۲۹۰ دوشنبه ۴ قوس - (آذر ماه) روزنامه تازه بهار را در مشهد منتشر کرد که بیش از ۹ شماره انتشار نیافت، و به دستور کینیاژ دابیژا به دنبال نوبهار توقیف شد.

۱۲۹۰ به همراه نه نفر از دوستانش که اعضای کمیته حزب دموکرات ایران بودند، بنا به دستور کینیاژ دابیژا از مشهد به تهران تبعید شد و در میان راه دزدان اموال او را به غارت بردند.

۱۲۹۰ ماجرای سفر خود را به نظم در آورد و استاد خود صیدعلی خان<sup>۱</sup> درگزی را ستود.

۱۲۹۰ هنگام تبعید، بین راه سبزوار - شاهرود، با حیدرخان عمو اوغلی و رفیقش ابوالفتح‌زاده ملاقات کرد و چون خود نتوانست به مشهد بازگردد، نامه‌ای به شیخ جواد تهرانی نوشت که

۱- برای اطلاع از شرح زندگانی استاد صیدعلی خان درگزی رجوع شود به کتاب خاوران، گوهر ناشناخته

- به هر وسیله باشد، تذکره عبور برای حیدرخان و دوستش تهیه کرده آنان را از مرز بگذراند. در این سفر حیدرخان پس از یک ماه توقف در مشهد، عازم لندن شد.
- ۱۲۹۲ - ۱۴ جدی - (دی ماه) دوره دوم نوبهار را در شهر مشهد منتشر کرد.
- ۱۲۹۲ از طرف مردم کلات، سرخس و درگز به نمایندگی دوره سوم مجلس شورای ملی انتخاب شد.
- ۱۲۹۳ ۱۴ قوس، (آذر) دوره سوم نوبهار را در تهران منتشر کرد.
- ۱۲۹۴ اسد - (مرداد ماه) بخشی از تاریخ سیاسی افغانستان را نوشت، و در روزنامه نوبهار، سال چهارم از شماره ۶۱ به بعد منتشر کرد.
- ۱۲۹۴ در کابینه محمدولی خان، سپهدار اعظم، به بجنورد تبعید شد و شش ماه در حالت تبعید به سر برد.
- ۱۲۹۴ عقرب - (آبان) روزنامه نوبهار او توقیف شد.
- ۱۲۹۴ مسأله مهاجرت پیش آمد و به قم مهاجرت کرد.
- ۱۲۹۴ به علت واژگون شدن درشکه، دست او در راه قم شکست، و ادیب الممالک فراهانی، قصیده‌ای به مطلع:
- شکست دستی کز خامه بس نگار آورد      نگارها ز سر کلک زرنگبار آورد
- را خطاب به بهار سرود.
- ۱۲۹۴ انجمن دانشکده را در تهران بنیان گذاشت.
- ۱۲۹۶ سال ششم نوبهار را در تهران منتشر کرد.
- ۱۲۹۶ ۱۱ اسد - (مرداد) سال ششم نوبهار او توقیف شد.
- ۱۲۹۶ ۱۴ اسد - (مرداد) روزنامه زبان آزاد را سه روز پس از توقیف نوبهار منتشر کرد. که شماره از آن منتشر شد.
- ۱۲۹۶ پنجشنبه ۹ عقرب روزنامه نوبهار که روز ۸ عقرب به دستور احمد شاه از توقیف خارج شده بود، مجدداً منتشر شد.
- ۱۲۹۶ مطابق ۱۳۳۶ ه. ق ۱۹۱۷ م. مادر بهار (۱۴ سال پس از درگذشت پدرش ملک الشعراى صبوری) درگذشت.
- ۱۲۹۶ تاریخچه سه سال و نیم جنگ (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م) یا بخشی از تاریخ قاجاریه را نوشت، و در روزنامه نوبهار، سال ششم به چاپ رسانید.
- ۱۲۹۷ ۱ ثور - (اردیبهشت) نخستین شماره مجله دانشکده را در تهران منتشر کرد که یک سال دوام یافت.

۱۲۹۷ قصیده معروف «بث الشکوی» را به مطلع: «تا بر زیری است جولانم» به مناسبت توقیف روزنامه نوبهار سرود.

۱۲۹۷ رمان نیرنگ سیاه یا کنیزان سفید را نوشت و در روزنامه ایران که در آن زمان مدیریت آن با برادرش (محمد ملک‌زاده) بود منتشر کرد.

۱۲۹۸ ۲۳ حوت - (اسفند) نخستین شماره روزنامه یومیه نیمه رسمی ایران به مدیریت او انتشار یافت. که مدت دو سال (تا سوم اسفند ۱۲۹۹) دوام یافت.

۱۲۹۹ در کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی، در کودتا مدت سه ماه در شمیران تحت نظر بود.

۱۲۹۹ قصیده «هیجان روح» را به مطلع: «ای خامه دو تا شو و به خط مگذر» سرود.

۱۳۰۰ تا اوایل سال ۱۳۰۵ شمسی مدتی با جمعی دیگر از فضلای ایران در محضر درس هرتسفلد، دانشمند آلمانی، برای فراگرفتن زبان پهلوی حاضر شد.

۱۳۰۰ در مجلس چهارم از طرف مردم بجنورد به نمایندگی انتخاب گردید.

۱۳۰۱ قصیده معروف دماوند و سکوت شب را سرود.

۱۳۰۱ ۲ میزان - (مهر ماه) روزنامه نوبهار هفتگی را در تهران منتشر کرد.

۱۳۰۱ تاریخچه اکثریت در مجلس چهارم را نوشت، که قسمتی از آن را در روزنامه نوبهار هفتگی چاپ و به علتی از چاپ بقیه خودداری کرد.

۱۳۰۲ از طرف مردم ترشیز (کاشمر) به نمایندگی مجلس پنجم انتخاب گردید.

۱۳۰۲ قسمتی از سرگذشت خود را به نظم در آورد، که مطلع آن این است: «یاد باد آن عهد کم بندی به پای اندر نبود».

۱۳۰۲ مثنوی جمهوری نامه را سرود. این مثنوی، اولین بار در روزنامه قرن بیستم به نام میزاده عشقی به چاپ رسید.

۱۳۰۳ هنگامی که بهار در مجلس نطق تندی ایراد کرد و قصد داشت از مجلس خارج شود، واعظ قزوینی مدیر روزنامه رعد قزوین که شباهتی به بهار داشت در جلو مجلس به جای او مورد اصابت گلوله قواز گرفت، و از پا درآمد، بهار در این باره قصیده «یک شب شوم» را به مطلع:

«شب چو دیوان به حصار فلکی راه زدند» سرود.

۱۳۰۵ در مجلس ششم به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد.

۱۳۰۵ چهار خطابه خود را خطاب به رضاشاه پهلوی سرود.

۱۳۰۶ قصیده معروف فتح دهلی را سرود.

۱۳۰۷ در دارالمعلمین به تدریس اشتغال ورزید.

۱۳۰۷ به علتی از کار سیاست کناره گرفت.

۱۳۰۸ یک سال به زندان مجرد افتاد. در این مدت چند قصیده و مسمط ساخت که در جلد اول دیوان او (چاپ اول) از صفحه ۴۸۵ تا ۵۰۰ مندرج است. درباره زندانی شدنش در غزلی گوید:

من نیم مسعود بو احمد ولی زندان من  
کمتراز زندان نای و قلعه مندیش نیست  
۱۳۰۹ مثنوی مستزاد خود را خطاب به صادق سرمد سرود، که در آن، شیوه و سبک شعرای گذشته و معاصر خود را معلوم کرد.

۱۳۱۱ دیوان اشعار خو را به طبع رسانید، که پس از چاپ ۲۰۸ صفحه از ادامه چاپ آن جلوگیری شد.

۱۳۱۱ روز ۲۹ اسفند بار دیگر به زندان افتاد، که مدت پنج ماه به طول انجامید و شعر زیبای شباهنگ را به مطلع: «بر شو ای رایت روز از در شرق» و قصیده هفت شین را به مطلع:  
شد وقت آن که مرغ سحر نغمه سر کند  
گل با نسیم صبح سر از خاک بر کند  
سرود.

۱۳۱۲ از زندان آزاد و به اصفهان تبعید شد.

۱۳۱۲ اندرزه‌های «آزر باد ما را اسفندان» را از پهلوی به پارسی برگردانید و به نظم کشید.

۱۳۱۲ قصیده معروف: «امشو در بهشت خدا وایه پندری» را به لهجه مشهدی سرود.

متأسفانه تمام این قصیده در دیوان او به چاپ نرسیده است. ولی همه قصیده در مجله یغما به چاپ رسیده است

۱۳۱۲ سرودن کارنامه زندان را شروع کرد.

۱۳۱۲ شاهنامه گشتاب یا یادگار زیربان را از پهلوی به فارسی برگردانید.

۱۳۱۲ شرح احوال فردوسی را بر مبنای شاهنامه به رشته تحریر در آورد.

۱۳۱۲ قرارداد تصحیح تاریخ بلعمی را با وزارت فرهنگ امضاء کرد، که این کتاب در سال ۱۳۴۵ شمسی، به همت روانشاد محمد پروین گنابادی از طبع خارج شد.

۱۳۱۳ کارنامه زندان را که در سال ۱۳۱۲ در زندان شروع کرده بود در اصفهان به پایان رسانید.

۱۳۱۳ برای برگزاری جشن هزاره فردوسی، با وساطت مرحوم محمد علی فروغی (ذکاء الملک) و علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت، از اصفهان به تهران فراخوانده شد.

۱۳۱۳ قصیده «آمال شاعر» را پس از بازگشت از اصفهان سرود.

۱۳۱۳ شعر «درینک واتر» شاعر انگلیسی را، که در جشن هزاره فردوسی سروده بود به شعر فارسی در آورد.

- ۱۳۱۳ قصیده‌های «آفرین» و «کل الصيد فی جوف الفراء» را در هزاره فردوسی سرود.
- ۱۳۱۳ بار دیگر در دانش‌سرای عالی به تدریس ادبیات مشغول شد.
- ۱۳۱۳ رساله زندگی مانی را تألیف کرد.
- ۱۳۱۵ فروردین ماه مطابق ذیحجه ۱۳۵۴ ه. ق/ مارس ۱۹۳۶ م، سفری کوتاه به عزم گردش به طرف مازندران و گیلان رفت، که ره آورد سفرش قصیده زیبای «سپیدرود» بود به این مطلع:  
 هنگام فرودین که رساند ز ما درود بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود
- ۱۳۱۶ دوره دکترای ادبیات فارسی در دانشگاه تهران افتتاح شد و بهار عهده‌دار تدریس بعضی از دروس آن گردید.
- ۱۳۱۸ کتاب *مجمعل التواریخ و القصص* با تصحیح وی از طبع خارج شد.
- ۱۳۱۸ قصیده «دیروز و امروز» را سرود.
- ۱۳۲۱ ۳ اسفند ماه روزنامه نوبهار را بار دیگر در تهران منتشر کرد، که پس از انتشار ۱۰۲ شماره تعطیل شد.
- ۱۳۲۱ مقاله معروف «از آن طرف راه نیست» را در چند شماره نوبهار یومیه به چاپ رسانید.
- ۱۳۲۱ جلد اول و دوم سبک‌شناسی (یا تاریخ تطور نثر فارسی) را منتشر کرد.
- ۱۳۲۲ شرح زندگانی سیدحسن مدرس را نوشت و در روزنامه نوبهار منتشر کرد.
- ۱۳۲۲ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی در تهران تشکیل شد. بهار از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ مدتی ریاست کمیسیون ادبی آن انجمن را داشت.
- ۱۳۲۲ رساله‌ای زیر عنوان «در آرزوی مساوات» را نوشت که در چند شماره نوبهار به طبع رسید.
- ۱۳۲۳ جلد اول تاریخ احزاب سیاسی یا *انقراض قاجاریه* را که در سال ۲۲ - ۱۳۲۱ تألیف کرده بود، چاپ و منتشر کرد.
- ۱۳۲۴ هنگام زمامداری احمد قوام (قوام السلطنه) عهده‌دار وزارت فرهنگ شد.
- ۱۳۲۴ ۵ - ۱۳۶۴ ه. ق برابر ۶ - ۱۹۴۵، با هیأتی برای شرکت در برگزاری جشن ۲۵ سالگی تشکیل حکومت آذربایجان شوروی رهسپار باکو شد.
- ۱۳۲۴ قصیده معروف «هدیه باکو» را سرود که ره آورد سفر اوست به آذربایجان شوروی
- ۱۳۲۴ سفر کوتاهی از تهران به مشهد رفت.
- ۱۳۲۴ بخشی از کتاب *جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی*، به تصحیح وی، از طرف وزارت فرهنگ انتشار یافت.
- ۱۳۲۴ شرح زندگی لنین را نوشت، که در مجله پیام نو، سال دوم، شماره ۳ بهمن ماه ۱۳۲۴ به

طبع رسیده است.

۱۳۲۴ ریاست نخستین کنگره نویسندگان ایران را که از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده بود به عهده گرفت.

۱۳۲۵ با احمد قوام السلطنه همکاری کرد و حزب دموکرات ایران را تأسیس کرد.

۱۳۲۵ از مقام وزارت فرهنگ احمد قوام کناره گرفت.

۱۳۲۶ جلد سوم سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی را به چاپ رسانید.

۱۳۲۶ در دوره پانزدهم قانون‌گذاری مجلس به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد.

۱۳۲۶ برای معالجه سل، از تهران رهسپار سوییس شد.

۱۳۲۷ هنگامی که در سوییس مشغول معالجه بود، مکاتبه‌ای با ادیب السلطنه سمیعی دارد که معروف است.

۱۳۲۸ اردیبهشت ماه، از سفر استعلاجی خود از سوییس به ایران بازگشت.

۱۳۲۸ قصیده «یک صفحه از تاریخ» را سرود بدین مطلع:

جرم خورشید چو از حوت به برج بره شد.

۱۳۲۹ «جمعیت ایرانی هواداران صلح» را در تهران تشکیل داد.

۱۳۲۹ دولت پاکستان رسماً از وی دعوت کرد تا سفری به پاکستان کند، به علت بیماری نتوانست به این سفر برود.

۱۳۲۹ ۱ اردیبهشت، سفارت کبرای پاکستان، مجلس یادبودی برای محمد اقبال لاهوری تشکیل داد، و بهار عهده‌دار ریاست آن مجلس بود، و سخنرانی گرمی درباره اقبال ایراد کرد.

۱۳۲۹ ۱ اسفند، پیامی به دانشجویان فرستاد.

۱۳۲۹ قراردادی بست که سبک‌شناسی شعر فارسی را نیز بنویسد و وزارت فرهنگ اقدام به چاپ آن نماید. بخشی از آن کتاب را نوشت و متأسفانه بیماری نگذاشت که به ادامه کار پردازد. نیز مرگ مجال نداد که کار شروع کرده را به پایان برد. آن قسمت نوشته شده، که خود به وزارت فرهنگ تحویل داده بود، در سال ۱۳۴۲ شمسی به کوشش آقای علیقلی محمودی بختیاری به نام سبک‌شناسی یا تطور شعر فارسی، بخش یکم، دفتر چهارم، در ۱۱۲ صفحه از طرف مؤسسه مطبوعاتی علمی منتشر شد.

۱۳۲۹ در تابستان، آخرین اثر خود، قصیده «جغد جنگ» را سرود و برای همیشه دفتر اشعار خود را در هم پیچید. این قصیده اولین بار در روز یکشنبه ۱۳ اسفند ماه (۲۵ ج ۱، ۱۳۷۰ هـ.

ق و سوم مارس ۱۹۵۲ م) در روزنامه مصلحت به چاپ رسید.

۱۳۲۹ سه‌شنبه ۲۹ اسفند، پیامی به جوانان ایران فرستاد.

۱۳۳۰ روز اول اردیبهشت، مطابق ۱۵ ماه رجب ۱۳۷۰ هـ. ق/ ۲۱ آوریل ۱۹۵۱ م، ساعت ۸ صبح، در خانه خود در خیابان ملک الشعراء بهار، خیابان تخت جمشید بدرد زندگی گفت.

۱۳۳۰ دوم اردیبهشت ماه، مطابق ۱۶ ماه رجب ۱۳۷۰ هـ. ق/ ۲۲ آوریل ۱۹۵۱ م، بعد از ظهر جنازه او را از مسجد سیهسالار تا چهارراه مخبرالدوله، بر سر دست بردند. و ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز او را در شمیران در باغ آرامگاه ظهیرالدوله، به خاک سپردند.



۸۸۹۵۲۵۳۴	۰۹۱۲۳۷۸۸۵۸۷	۰۹۳۲۹۳۸۲۶۴۹
تئاتر مهندس	واپسین شطرنج جلال	آندره مالرو سینما انتظوره
موسیقی رپریشن بنیادین	احمد شاملو	
نقیس هخامنشیان	دن آرام نقاشی ابوالقاسم فردوسی	عکس کوروش کبیر ان خون
...		علیرضا مشایخی مخزن بنهرون
۸۸۹۵۲۵۳۴	۰۹۱۲۳۷۸۸۵۸۷	۰۹۳۲۹۳۸۲۶۴۹





مطالعات فرهنگی  
پس علوم انسانی

● تهران (۱۳۰۹) از راست: با فرزندان: ملک دخت - پروانه - بهار - هوشنگ و ماه ملک